



در حاشیه انتخابات آخرین سال هیات رئیسه مجلس

چه کسی علی مطهری را پایین کشید

آنچنانکه پیش بینی می‌شد، در جریان برگزاری آخرین دور از انتخابات هیات رئیسه دوره دهم مجلس شورای اسلامی، علی لاریجانی باز هم توانست گوی سبقت را از محمدرضا عارف برآید و برای دوازدهمین سال پیاپی بر کرسی ریاست قوه مجریه تکیه بزند. در این انتخابات او با ۱۵۵ رأی رئیس مجلس شد و محمدرضا عارف هم ۱۰۵ رأی نمایندگان را که قاعداً متعادل اعضای فراکسیون امید است، به دست آورد.

اتفاق مهم‌تر روز یکشنبه اما نه در جریان انتخاب رئیس که برای همه قابل پیش‌بینی بود که در جریان برگزاری انتخابات نواب رئیس رخ داد و برای اولین بار در چند سال گذشته توافق نمایندگان فراکسیون‌ها در صحن مجلس باعث تغییر یکی از نمایان رئیس شد. در جریان این انتخابات، مسعود پزشکیان با ۱۴۸ رأی در جایگاه نایب‌رئیس اول ابقا شد و علی مطهری که در سه سال گذشته همواره نفر دوم این جایگاه بوده است، در رقابت از گزینه فراکسیون ولایی مجلس جا مانده و این بار عبدالرضا مصری موفق شد نایب‌رئیس دوم شود. او در این فرآیند ۱۴۳ رأی نمایندگان مجلس را به خود اختصاص داد و علی مطهری و محمدحسین فرهنگی به ترتیب با ۱۲۸ رأی و ۱۲۱ رأی سوم و چهارم شدند. این اتفاقات البته هرکدام با حواشی و کش‌وقوس‌های مهم سیاسی همراه بوده که «فرهیختگان» در شماره امروز خود آنها را بررسی می‌کند.

علی لاریجانی باز هم دست به دامان اصولگرایان شد

یکی از نزدیکان علی لاریجانی چندی پس از انتخابات مجلس دهم در گفت‌وگویی جزئیات توافقات برای تهیه لیست امید تهران را بیان کرد. او در این گفت‌وگو چند قدم جلوتر از تحلیل کارشناسان هم رفت و توضیح داد که مبنای ائتلاف این بوده که لیست ۳۰ نفره تهران میان سه گروه تقسیم شود؛ به این صورت که ۱۰ نفر اصلاح‌طلب در لیست حضور داشته باشند، ۱۰ نفر از نزدیکان دولت و ۱۰ نفر از اصولگرایان نزدیک به علی لاریجانی که البته به دلایلی این ترکیب قدری به هم می‌خورد و تنها کاظم جلالی و بهروز نعمتی از نزدیکان علی لاریجانی در لیست به همراه نمایندگان دو طیف دیگر حضور می‌یابند. این اتفاق کم‌نظیر در تاریخ سیاسی ایران بعد از آن رخ داد که در جریان مجلس گذشته که طیفی قوی از نمایندگان منتقد دولت در آن حضور داشتند، همراهی مشخص و پررنگ علی لاریجانی و نمایندگان نزدیک به او با دولت حسن روحانی صورت پذیرفت و این همراهی زمینه‌ساز ائتلاف در انتخابات مجلس دهم و پس از آن شد. پس از برگزاری انتخابات و توفیق این ائتلاف تحت عنوان لیست امید و راهیابی همه ۳۰ نفر حاضر در این لیست، در اولین ایستگاه ادامه حرکت منسجم این سه‌گانه با چالش مواجه شد و تضاد مهمی میان آنها شکل گرفت. اولین ایستگاه جایی نبود جز انتخاب هیات‌رئیسه مجلس؛ جایی که علی لاریجانی به‌عنوان لیدر بخشی از لیست امید تهران از یک طرف نامزد ریاست مجلس شد و محمدرضا عارف به‌عنوان سرلیست امید و رئیس فراکسیونی به همین نام در مجلس، از طرف دیگر خود را در معرض انتخاب نمایندگان برای ریاست مجلس گذاشت. این اتفاق نهایتاً باعث شد اصلاح‌طلبان طرف عارف را گرفته و یک سوی میدان بایستند و نزدیکان دولت در ائتلاف با نزدیکان علی لاریجانی سوی دیگر میدان. در این صحنه‌بندی عارف حدود یکصد رأی را که همان اعضای فراکسیون امید بودند، به خود اختصاص داد و لاریجانی هم به همین تعداد یعنی حدود یکصد رأی از نمایندگان را صاحب شد. طرفداران لاریجانی چندی بعد با حضور اعتدالیون که نزدیکان حسن روحانی بودند، فراکسیون مستقلان را سازماندهی کردند. با این اوصاف هیچ کدام از دو نفر یعنی علی لاریجانی و محمدرضا عارف برتری محسوس عددی نسبت به یکدیگر نداشتند و طیف سوم مجلس که از قضا آنها هم ۹۰ نفر بودند برای تعیین کرسی‌های اصلی مانند کرسی ریاست، مهم شدند. ۹۰ نفر از اصولگرایان منتقد علی لاریجانی که بعداً ذیل فراکسیون نمایندگان ولایی گرد هم آمدند، در دوگانه شکل گرفته نمی‌توانستند بی‌طرف بمانند، لذا رئیس مجلس هشتم و نهم را به رقیب اصلاح‌طلبش ترجیح داده و رأی خود را به نام لاریجانی به صندوق انداختند و با این حساب علی لاریجانی با کسانی که تندرو می‌نامید و راهش را از آنها جدا کرده بود، دوباره بر سر یک میز نشست.

این اتفاق با تغییر ائتلاف‌های مجلس در انتخابات روز یکشنبه هم دوباره به وقوع پیوست و علی لاریجانی را که می‌دید اصلاح‌طلبان مصر هستند لیست جداگانه با نامزدی محمدرضا عارف برای ریاست مجلس منتشر کنند، دوباره مجبور کرد با اعضای فراکسیون ولایی ائتلاف کند تا در سال آخر مجلس طمع شکست را نبخشد.

در این انتخابات نمایندگان عضو فراکسیون ولایی مجلس که پیش‌تر اعلام کرده بودند بنا دارند حمیدرضا حاج‌بابایی را برای ریاست سال آخر نامزد کنند، پس از رایزنی‌های صورت گرفته از این تصمیم منصرف شدند و با سکوت خود در زمینه معرفی نامزد برای ریاست مجلس راه علی لاریجانی برای کسب کلیه رأی‌های دو فراکسیون ولایی و مستقلان را هموار کردند. تعداد رأی ۱۵۵ هم نشان می‌دهد بیش از نیمی از اعضای فراکسیون نمایندگان ولایی روز یکشنبه به ریاست لاریجانی رأی داده‌اند. البته ناگفته نماند کاندیداتوری محمدجواد ابطحی، نماینده مردم خمینی شهر و عضو فراکسیون ولایی در جریان انتخابات رئیس مجلس، ظاهراً تصمیمی شخصی بوده و بنای اعضای فراکسیون بر معرفی و حمایت از وی نبوده است، چنانکه نهایتاً او توانست تنها ۹ رأی از طرفدارانش بگیرد. محمدجواد ابطحی از حامیان جبهه پایداری در مجلس است و همین اقدام او باعث شد منتقدان این جریان طی روزهای گذشته بگویند سهم پایداری‌ها از جمع نمایندگان مجلس تنها ۹ نفر بوده است.

عکس یک

سخنان رئیس جمهور خطاب به رسانه‌ها درباره اینکه چگونه از مردم نظرسنجی می‌کند مبانی علمی تصمیمات دولت را زیر سوال برد

گزارش یک نظر سنجی



محمد جعفری

روزنامه‌نگار

چند روزی است که اظهارات اخیر رئیس جمهور نقل محافل شده و سر هر کوچه و برزنی صحبت درباره آن بر سر زبان‌هاست. روحانی هفته گذشته در دیدار با جمعی از جوانان و دانشجویان تلاش برای استفاده از ظرفیت‌های استفاده‌نشده قانون اساسی را راه‌حل مشکلات دانست و گفت: «قانون اساسی ما ظرفیت‌های بالایی دارد که یکی از آنها اصل ۵۹ است که می‌گوید اگر در یک مساله مهم فرهنگی، اجتماعی یا سیاسی خارجی، اختلاف نظر داریم، می‌توانیم پای صندوق آرا برویم تا مردم نظر دهند.» او یک بار دیگر در دیدار با جمعی از فعالان رسانه‌ای، از این بست‌شکن بودن اصل ۵۹ قانون اساسی گفت و افزود که هر زمان لازم باشد درجعه به روی مردم باز است. روحانی البته ترجیح داد درباره مصداق‌های مورد نظر خود برای فراراندوم سکوت کرده و به کلیات ابوالقاء اکتفا کند. اما خب فهم منظور او به‌ویژه با توجه به بستر زمانی مطرح شدن این اظهارات نیاز به آی کیوی چندان بالایی ندارد و حدس زدن آن خیلی سخت نیست.

منظور روحانی چه بود؟

مساله مذاکره با آمریکا برای عبور از دوگانه جنگ-مذاکره و خروج برجام از بن‌بست کنونی در کنار ایده افزایش اختیارات رئیس جمهور را باید در هفته‌های اخیر دومورد از مهم‌ترین موضوعات روی میز کار طیف حاکم بر دولت دانست؛ موضوعاتی که در این مدت همه ظرفیت رسانه‌ای نزدیک به این طیف برای آن بسیج شد و تلاش کرد یک بار دیگر نظام را به جمع‌بندی مطلوب خود در این باره برساند.

این البته اولین باری نیست که فی‌ل روحانی یاد هندوستان می‌کند و در فضایی که هیچ زمینه‌ای برای آن وجود ندارد، از فراراندوم سخن می‌گوید. او قبلاً هم در این ۶

اتفاقی که برای علی مطهری افتاد، جزء‌نادر مجلس بود و کمتر دیده شده بود که کسی آن هم در سال آخر از نایب‌رئیی مجلس بیفتد. در مورد چرایی این اتفاق، نظرات و مواضع متفاوتی بیان شده است.

نامزدی عارف، رقبا را متحد کرد

شخص علی مطهری در مورد این موضع، فراکسیون امید و نامزدی محمدرضا عارف را علت العلل می‌داند و می‌گوید اگر او به توصیه باتجربه‌های مجلس توجه کرده بود، چنین اتفاقی رخ نمی‌داد. علی مطهری در گفت‌وگو با ایسنا گفته است: «درباره انتخابات هیات‌رئیسه مجلس در فراکسیون امید دو نظر وجود داشت؛ یکی نظر باتجربه‌ها مثل آقایان تاجگردون و تابش و بنده که مخالف معرفی کاندیدا برای ریاست بودیم و دیگر نظر جوان‌ترها و شخص آقای عارف که به‌شدت طرفدار معرفی کاندیدا برای ریاست بودند. استدلال گروه اول این بود که احتمال رأی‌آوری کاندیدای ریاست که قاعداً آقای عارف خواهند بود، ضعیف و زیر ۵۰ درصد است و علاوه بر این در صورت کاندیدا شدن ایشان دو فراکسیون دیگر متحد می‌شوند و توافق می‌کنند به ازای رأی ولایی‌ها به آقای لاریجانی، مستقل‌ها نیز به کاندیدا‌های نایب‌رئیی آنها رأی بدهند و در نتیجه خطر از دست رفتن برخی کرسی‌های فراکسیون امید در هیات‌رئیسه وجود دارد.»

می‌خواستند به جامعه پیام سیاسی دهند

علی مطهری در ادامه این گفت‌وگو به نکته‌ای اشاره می‌کند که بسیاری از تحلیلگران آن را مهم‌ترین مساله در اعلام لیست مستقل و با تمامی اعضا از سوی فراکسیون امید در انتخابات سال آخر مجلس می‌دانستند، همان مساله‌ای که «فرهیختگان» در شماره قبلی خود به آن تأکید کرده بود؛ یعنی تلاش برای ارسال پیام سیاسی به جامعه. گفته بودیم که اصلاح‌طلبان پس از بخشیدن چند عضو لیست امید به نزدیکان دولت و همچنین به کاظم جلالی و بهروز نعمتی، امید داشتند که با ائتلافی قوی محمدرضا عارف را به ریاست مجلس برسانند و پاسخ کنارکشیدن در ریاست جمهوری را در مجلس بگیرند، اما زمانی که هم در انتخابات هیات‌رئیسه و هم کمیسین‌های مجلس تنها ماندند، تازه متوجه شدند در میدان سیاست چقدر عقب هستند. آنها البته ضربه بعدی را از محمود واعظی و دیگر اعتدال و توسعه‌ای‌ها هم خوردند و در نتیجه در افکار عمومی حامی یک دولت ناآرامد شناخته شدند و در عمل نه در مجلس و نه در دولت نتوانستند آن گونه که می‌خواهند، سهم خود را بگیرند. در این شرایط برای جدا کردن سفره خود از دولت و از علی لاریجانی به‌عنوان حامی استراتژیک حسن روحانی، تلاش کردند و به‌عنوان یک نماد در انتخابات هیات‌رئیسه سال چهارم که ارزش بالایی هم ندارد، با قوت حاضر شدند و هزینه‌های باخت آن را هم به جان خریدند.

علی مطهری در توضیح این مساله گفته است: «اما استدلال گروه دوم از جمله جناب آقای عارف این بود که ما باید به جامعه پیام بدهیم که این جریان سیاسی بی‌تفاوت نیست و برای ریاست هم کاندیدا دارد، هرچند رأی نیاورد. آنگاه اعلام می‌کنیم که تعداد ما در مجلس این مقدار است و در اقلیت هستیم؛ پس انتظار بیش از حد نداشته باشید و این پیام در واقع برای انتخابات اسفند ۹۸ و انتخابات ۱۴۰۰ خواهد بود. البته برخی از این افراد-نمی‌دانم بر چه اساسی- معتقد بودند آقای عارف رأی می‌آورد. به بیان دیگر، گروه اول توجه به درون مجلس و کسب کرسی‌های بیشتر در هیات‌رئیسه از طریق ائتلاف با سایر فراکسیون‌ها داشت و گروه دوم نظر به بیرون مجلس و بهره‌برداری در آینده؛ هرچند برخی کرسی‌ها را در هیات‌رئیسه

عامل شکست علی مطهری کیست؟

از دست بدهیم. البته این سوال با تجربه‌ها از جوان‌ترها که اگر پیام ضعف به جامعه بدهیم چه فایده‌ای دارد، هرگز پاسخ داده نشد. سرانجام نظر جوان‌ترها و شخص آقای عارف غالب درآمد و به‌عنوان تصمیم فراکسیون قرار گرفت و شد آنچه نباید می‌شد.»

علی مطهری کاندیدای ریاست جمهوری می‌شود

اساساً علی مطهری معتقد است به هیچ‌یک از گرایش‌های سیاسی مجلس انصالی ندارد و بیشتر دوست دارد مستقل شناخته شود. او در این باره می‌گوید: «همه می‌دانند که عضویت من در فراکسیون امید به خاطر احترام به لیست امید بوده است، والا من اصلاح‌طلب اصطلاحی نیستم. در ابتدای تشکیل فراکسیون امید برخی افراد که نام‌شان در لیست امید بود، از این فراکسیون خارج شدند، ولی من این کار را اخلاقاً درست نمی‌دانستم و تا امروز نیز به لوازم کار فراکسیونی پایبند بوده‌ام.» این نظر علی مطهری البته در شرایطی بیان می‌شود که از سال‌ها پیش و زمانی که برای اولین بار راهی مجلس هشتم می‌شد، به نمایندگی محمود احمدی‌نژاد در لیست اصولگرایان قرار گرفت و بعدها در یک دگردیسی سیاسی به دامان امیدی‌ها رفت. حالا او گمان می‌کند به‌خودی‌خود دارای بدنه‌ای در میان مردم و نمایندگان مجلس است و احتمالاً متعجب است که چرا کاریزمای شخصیتی‌اش در این انتخابات کار نکرده و ائتلاف‌ها او را کنار زده است. در این باره باید به یک نکته مهم اشاره کرد. جمعه گذشته و دقیقاً دو روز مانده به انتخابات هیات‌رئیسه مجلس علی مطهری اعلام کرد ممکن است برای انتخابات ریاست جمهوری کاندید شود. از نظر برخی همین اظهارنظر کافی بود تا علی لاریجانی و حامیان‌ش از یک طرف و تا حدی امیدی‌ها از طرف دیگر دست از حمایت تمام‌قد از علی مطهری بکشند و رأی‌های مهم و سرنوشته‌ساز خود را به جای مطهری به نام دیگران به گلدان ببندازند تا معلوم شود یک نماینده صرفاً با اظهارنظر‌های پُرسر و صدا نمی‌تواند حمایت‌ها را جذب کند.

کارگزاران عامل شکست «امید» در مجلس

غلامحسین کرباسچی، از اعضای ارشد کارگزاران در صفحه شخصی توئیتر حذف علی مطهری را نتیجه اقدامات فراکسیون امید و محمدرضا عارف دانسته و از آن انتقاد کرده است؛ انتقادی که به‌حمایان عارف خوش نیامد و باعث تنش میان آنها شد. علیرضا خامسیان، از مشاوران محمدرضا عارف اولین واکنش و تندترین آنها را به اظهارنظر غلامحسین کرباسچی داشت. خامسیان در این باره کرباسچی و کارگزاران را تلویحاً متحد علی لاریجانی دانسته و می‌نویسد: «وقتی لاریجانی معاون اول خودش را از کارگزاران بداره، معلومه که بخشی از کارگزاران از جمله آقای کرباسچی برای علی‌آقا ضعف برن.» از طرفی دیگر اصلاح‌طلبان علاوه‌بر انتقاد از کرباسچی به اظهارنظر‌های محمدعطریانفر، دیگر عضو کارگزاران نیز اشاره کردند و اتحاد کارگزاران-لاریجانی را عامل مهمی در تضعیف فراکسیون امیدی می‌دانند. یکی از شبکه‌های مجازی این جریان در این باره می‌نویسد: «عدای در جهت تضعیف فراکسیون امید و عارف تلاش می‌کنند و سپس فریاد علیه عارف سر می‌دهند؛ زیبا نیست؟ آقای کرباسچی یادش رفت به نمایندگانی که عضو فراکسیون امید بوده‌اند و اتفاقاً سابقه عضویت در شورای مرکزی کارگزاران را هم داشته‌اند، اما به‌جای رأی به گزینه اصلاحات به لاریجانی رأی داده‌اند، اشاره کند! همچنین چندماه گذشته نیز محمدعطریانفر، عضو ارشد حزب کارگزاران هم گفته بود لاریجانی را بر چهره شاخص اصلاح‌طلب ترجیح می‌دهیم.»

درمی‌روند و اعصاب‌شان به هم می‌ریزد. اصلاح‌طلبان و منتقدان نیز متوجه ماجرا هستند. هرگاه بخواهند حال طرف مقابل را بگیرند و آنها را در موضع تدافعی قرار دهند، پیشنهاد فرارندوم می‌دهند! «چرا که معمولاً منتقدان دولت با این پیشنهاد سر کار می‌روند و با شروع می‌کنند به ردیف کردن استدلال‌های قانونی و سیاسی در رد فرارندوم. این صحبت‌ها هم اگرچه واکنش‌هایی را در پی داشت، اما این بار نتیجه‌آنی نبود که پاسنورنشینان انتظارش را داشتند. به بیان دقیق‌تر، رسانه‌ها که گویا گوش‌شان از شنیدن حرف‌هایی از این دست در سال‌های اخیر پر است، ترجیح دادند وارد دوقطبی‌های ملالت‌بار قبلی نشوند و جور دیگری به ماجرا نگاه کنند. منتقدان حالا به استقبال از پیشنهاد رئیس جمهور رفته‌اند و پیشنهاد داده‌اند گوشت صد هزار تومانی، پراید ۶۰ میلیونی، مسکن متری ۱۰ میلیون تومان و حتی فراتر از اینها ادامه دولت روحانی به فرارندوم گذاشته شود.

نظرسنجی از پشت شیشه دودی

بازی سیاسی و رسانه‌ای این روزها البته محدود به فرارندوم نیست و رئیس جمهور در بقیه خود سرگرمی‌های دیگری هم برای افکار عمومی داشته. روحانی در دیدار با فعالان رسانه‌ای گفت: «من روزانه نظرسنجی می‌کنم از خیابان وقتی با ماشین می‌روم، تمام چهره‌های مردم را نگاه می‌کنم که چند نفر لبخند دارند، چند نفر عصبانی هستند و چند نفر قیافه‌شان گرفته است... به هر شهری می‌روم خودم نظرسنجی می‌کنم، نگاه آدم‌ها را نسبت به خودم. نگاه کسی را که با محبت نگاه می‌کند، با تشکر نگاه می‌کند یا آنکه نقد دارد.» صحبت‌هایی که البته جدا از جابه‌جا کردن مرزهای نظرسنجی علمی، در پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری هم سانسور شد و گویا خود اها‌لی نهاد ریاست جمهوری هم رویشان نشد آن را منعکس کنند و دست به سانسور زدن تا مبدا دیگران نیز فکر کنند می‌شود از پشت شیشه‌های دودی ماشین ضدگلوله پی به مشکلات مردم برد.

وقتی بساط طنز پردا جا حور می‌شود

آب رفته را اما به این سادگی‌ها نمی‌شود به جوی بازگرداند و انتشار فیلم این اظهارات کافی بود تا بساط طنز پردازی کاربران شبکه‌های اجتماعی جور شود. در این باره برخی به اطرافیان خود توصیه کردند که مواظب باشند وقتی در خیابان می‌خندند، روحانی در حال نظرسنجی نباشد! چراکه برنامه و آینده کشور به قیافه آنها در خیابان

بستگی دارد! برخی هم وضع فعلی کشور در حوزه‌های مختلف را محصول اتکا به نتایج نظرسنجی‌هایی از این دست دانستند. یکی از کاربران نوشت: «خدا رحم کرد روحانی توی انتخابات برنده شد، والا چطور می‌تونستم توجهیشت کنیم اون نظرسنجی‌ای که توی ماشین و از روی قیافه مردم انجام میدی، سندتقلب نیست!» حسین دهباشی، کارگردان فیلم انتخاباتی حسن روحانی در انتخابات ۹۲ هم در این باره در صفحه اینستاگرامش نوشت: «جامعه‌آمری‌رادر نظر بگیرد که روزی دوبار (اولی حدود ساعت ۱۰ صبح و دومی در حوالی ۷ شب) در حدفاصل خیابان نارالله (چهارراه پارک‌بوی) تا میدان پاسنور انجام می‌شود. ۹۳درصد این مسیر از اتوبان گذشته و با ماشین معمولی (و براساس محاسبه گوگل‌مپ) ۱۸ دقیقه‌اما با اسکورت ریاست جمهوری و بدون توقف در خط ویژه هربار تنها چهار دقیقه طول می‌کشد. مشاهده گر عینک‌داردو از پشت شیشه ۹۷درصددودی خودروی تشریفات با سرعت ۱۲۰ کیلومتر در ساعت به مردم می‌نگرد، که احتمالاً در نیمی از موارد از پشت سر آنها است و صورت‌شان پیدا نیست! خدا واکیلی در مسیر بزرگراه چمران اساساً چند عابر پیاده رمی‌شوند و با این سرعت و میدان دید تار و تیره، اخم یا لبخند عابران که هیچ، اصلاًزن و مرد بودن‌شان قابل تشخیص است؟! آن‌وقت حاصل این نظرسنجی (ولو بی‌دخل و تصرف و تقلیل یا مبالغه) چقدر برای عالی‌ترین مقام اجرایی کشور معتبر و قابل‌تعمیم است؟»

داستان از چه قرار است؟

صحبت‌های اخیر روحانی درباره فرارندوم و نظرسنجی و اینکه «مهم‌نیست مردم-سفره کوچک‌تری داشته باشند و با سختی زندگی کنند. مهم این است که دشمن بفهمد مردم ما دست از نظام برنمی‌دارند» را بگذارد کنار نظریه قهر ابرها و اینکه «ابر نگاه می‌کند به پایبندش و می‌بیند خبری نیست و کویر است و می‌گوید برای چه ببارم، می‌روم جای دیگر» یا مثلاً اظهارات رئیس جمهور درباره سیل از جمله اینکه «صبر را خدا باید بدهد، خدا باید تحمل کند» و «ما نباید زخم به نمک مردم بیاشیم» به علاوه صحبت از نمره ۲۰ دولت در همه درس‌ها و نمره ۱۹/۵ آن تنها در یک درس که مردم صرفاً همان یک ۱۹/۵ را هم منفی ارزیابی می‌کنند؛ اینها یعنی قایقه بدجور به تنگ آمده و وضعیت بحرانی دولت حالا در ادبیات و گفتار روحانی در حال بازنمایی است. دولت ورشکسته‌اما به این سادگی‌ها قابل احیا نیست و به نظر می‌رسد برای برون‌رفت از وضع کنونی آن باید فکر دیگری کرد.